

بازنمایی گفتمان‌های خانواده در مجلات عامه‌پسند ایرانی

امیر رستگار خالد^۱، ابوالفضل اقبالی^۲، عاطفه خالقی^۳

چکیده

خانواده‌گرایی به‌مثابه یک گفتمان هژمونیک در فضای فرهنگی و رسانه‌ای کشور در سال‌های اخیر توسط گفتمان‌های رقیب از جمله جریان فکری و فرهنگی فمینیسم به چالش کشیده شده است. امروزه فضای فرهنگی و رسانه‌ای جامعه ایرانی به‌ویژه عرصه مطبوعات و نشر محل تخاصم گفتمانی این دو رویکرد هستند. این پژوهش درصدد بررسی کیفیت بازنمایی گفتمان‌های نظری پیرامون خانواده در عرصه مجلات عامه‌پسند ایرانی است. روش مورد استفاده در این تحقیق، تحلیل گفتمان با بهره‌گیری از روش‌شناسی لاکلا و موفه است. نمونه مورد بررسی در این پژوهش مجلات خانواده سبز، خانواده ایرانی، موفقیت و روزهای زندگی بوده و متون ستون‌های خانوادگی این مجلات به‌عنوان واحد تحلیل این تحقیق خوانش شده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از این است که مؤلفه‌ها و عناصر گفتمان خانواده‌گرا که با محوریت جمع‌گرایی و دال مرکزی «سازش» در فضای نظری کشور صورت‌بندی می‌گردد، در مجلات عامه‌پسند به‌صورت پررنگ‌تری برساخت شده و در مقابل عناصر و مؤلفه‌های گفتمان فمینیستی با محوریت فردگرایی و دال مرکزی «حقوق» حضور کم‌رنگ‌تری در مطالب این مجلات داشته است. به نظر می‌رسد در فضای فرهنگی جامعه ایرانی هنوز ردپای نظم دینی - سنتی خانواده به‌صورت کاملاً پررنگ محسوس بوده و گفتمان‌های رقیب از جمله جریان فمینیستی یا روشنفکری نتوانسته‌اند گفتمان غالبی را در حوزه خانواده و مناسبات آن برای عامه مردم ارائه نمایند.

واژه‌های کلیدی

تحلیل گفتمان، خانواده، فردیت، مجلات عامه‌پسند

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۱۲

amir_rastegarkhaled@yahoo.com

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول)

abolfazl_eghbali62@yahoo.com

۲. دانشجوی دکترای دانش اجتماعی مسلمین دانشگاه تهران

at_khaleghi@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد

مقدمه

تحولات سیاسی ناشی از انقلاب اسلامی در ایران سال ۵۷ به حاکم شدن نظام سیاسی مبتنی بر دین در این کشور منجر شد که در پی پیوند زدن مناسبات جامعه با قوانین، نظام ارزشی و هنجارهای دین اسلام بود. لذا در مناسبات اجتماعی رنگ و بوی خانواده‌گرایی بیش از پیش تقویت شده و به دلیل هژمونی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نظام حاکم، به گفتمان غالب در جامعه تبدیل گردید. نظام آموزشی، رسانه‌ها و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و اجتماعی در نظام حاکم همواره در پی بازتولید این گفتمان غالب در زمینه خانواده هستند. امروزه با گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی در ایران کم‌کم شاهد ظهور گفتمان‌های جدیدی در عرصه خانواده هستیم که مفاهیم و مقولات جنسیتی را به شکل دیگری حول محور زنان مفصل‌بندی کرده و تصویر ارائه شده از زن و خانواده توسط گفتمان غالب را در برخی مقولات به چالش فراخوانده‌اند. فمینیسم^۱ یکی از این گفتمان‌های نوظهور است که برابری زن و مرد در تمام شئون و عرصه‌های فردی و اجتماعی و خانوادگی را مطالبه (Barrett & Philips, 1992: 74 & Friedan, 2003: 48) و در پی جنسیت‌زدایی از تقسیم کار در خانواده و اجتماع است (Cahoone, 1970: 89 & De Beauvoir, 1975: 12 & Millett, 1970: 75 & Engels, 1972: 135 & Firestone, 1974: 112 & Barrett, 1967: 21). تنها محور جامعه نیست، بلکه به‌مثابه ساختاری ستم‌آلود است که باید براساس الگوهای فراجنسیتی، دگرگون شود (Engels, 1972: 135 & Firestone, 1974: 112 & Barrett, 1967: 21). این جریان نوحاسته در مغرب زمین به مدد اقتدار سیاسی و اقتصادی غرب کم‌کم به بسیاری از کشورها راه یافت و حرکت‌های اصیل و بومی زنان در مشرق زمین را نیز متأثر از خود کرد. در ایران نیز جریان فمینیسم با تحولات سیاسی و اجتماعی دوره‌های مختلف، فعالیت‌هایی را با شدت و ضعف در جامعه پیگیری کرده و به تدریج جای خود را به‌عنوان یک گفتمان رقیب و چالش برانگیز برای گفتمان دینی باز نموده است. البته به نظر می‌رسد گفتمان فمینیستی در حال حاضر جایگاه خود را به‌عنوان یک گفتمان دارای هژمونی در فضای عمومی جامعه به‌دست نیاورده و هنوز منحصر به فضای نخبگانی و دانشگاهی جامعه ایران است (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۹). لذا این جریان برای تبدیل شدن به یک گفتمان مسلط در عرصه عمومی جامعه و به حاشیه راندن گفتمان دینی می‌بایست به زندگی عمومی مردم وارد شده و مفاهیم خود را در این عرصه برجسته‌سازی نماید.

از جمله ابزارهای تغییر سبک زندگی عموم افراد جامعه و تبلیغ مفاهیم و ارزش‌ها در میان مردم، رسانه‌ها هستند که اغلب زمان فراغت و زندگی جامعه امروز را تحت پوشش خود قرار

داده‌اند. امروزه به ندرت افرادی یافت می‌شوند که در ارتباط مستقیم و مستمر با رسانه‌های مختلف از هر نوعی قرار نگرفته باشند. یکی از این رسانه‌ها که در کشور ما طیف قابل ملاحظه‌ای از زنان جامعه را با خود همراه ساخته است، مجلات خانوادگی یا همان نشریات زرد یا عامه‌پسند هستند که در عرصه سبک زندگی تأثیرات بسزایی را به همراه داشته‌اند. این نشریات که حاوی مطالب بسیار عمومی و دم دستی هستند به دلیل وجود عناصر دارای جذابیت از جمله تبلیغات، استفاده از هنرپیشه‌ها و شخصیت‌های محبوب و ... معمولاً به فروش بالا و مخاطبان بسیاری دست پیدا کرده‌اند.

از مهم‌ترین بخش‌های این نشریات که تأثیر بسیاری در مناسبات خانوادگی افراد به ویژه بانوان دارد، مشاوره‌های خانوادگی و داستان‌های عشقی هستند که دارای مضامین و محتواهای مربوط به خانواده و سبک زندگی هستند. رویکردهای حاکم بر این مطالب در نشریات عامه‌پسند به دلیل ماهیت تأثیرگذار آنها به راحتی به مخاطبان نیز منتقل شده و مناسبات خانوادگی را به سمت این رویکردها دچار تحول و تغییر می‌سازند. حال این رویکردها ممکن است در جهت تقویت گفتمان غالب و مسلط در زمینه خانواده که همان گفتمان دینی و خانواده‌گرایی است قرار گیرد و هم ممکن است هم صدا با گفتمان رقیب درصدد به چالش کشیدن و حاشیه راندن مفاهیم گفتمان مسلط در زمینه خانواده باشند. بررسی و تحلیل این مطالب و فهم رویکردها و گفتمان حاکم بر این نشریات می‌تواند از منظر سیاست‌گذاری فرهنگی دارای اهمیت و ضرورت باشد. لذا دغدغه پژوهش پیش‌رو بررسی نحوه بازنمایی گفتمان‌های خانواده در مجلات عامه‌پسند ایرانی است.

پیشینه پژوهش

در میان تحقیقاتی که در زمینه بررسی و تحلیل نشریات عامه‌پسند ایرانی انجام شده است، برخی از آن‌ها قرابت بیشتری با موضوع این پژوهش دارند. کیا (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی تحول گفتمان فرهنگی در مجلات عامه‌پسند» به این موضوع می‌پردازد که مجلات عامه‌پسند در بازنمایی فرهنگی دچار نوعی آشفتگی بوده‌اند که می‌توان آن را وضعیت فرهنگی از هم گسسته نام نهاد. ابراهیمی (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان «تحلیل گفتمان بازتولید زبان جنسیتی در مجلات عامه‌پسند فارسی در ایران» درصدد است تا چگونگی بازتولید زبان جنسیتی در ناخودآگاه ذهنی و گفتمان جنسیتی جامعه را در مجلات عامه‌پسند با بهره‌گیری از دیدگاه میشل فوکو و روش‌شناسی فرکلاف مورد تحلیل گفتمان قرار دهد. فرقانی (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان «سبک زندگی در نشریات عامه‌پسند، مطالعه موردی دوهفته‌نامه زندگی ایده‌آل» قصد دارد تا با استفاده از مبانی نظریه سبک زندگی بوردیو به بررسی نحوه و کیفیت

بازنمایی عناصر مختلف سبک زندگی یعنی مدیریت بدن، رفتار مصرف و اوقات فراغت در نشریات عامه‌پسند بپردازد. مهدی‌زاده (۱۳۸۶) در پژوهشی با نام «ساخت و محتوای مطبوعات عامه‌پسند» به تحلیل محتوای صفحه اول هجده نشریه عامه‌پسند پرداخته و اینگونه نتیجه می‌گیرد که مقوله «شهرت» که از بالاترین ارزش خبری نزد مخاطب عمومی برخوردار است ملاک تعیین سهم حضور هر یک از موضوعات مختلف جامعه در صفحه اول نشریات عامه‌پسند است. وجه تمایز پژوهش حاضر با پیشینه خود در ارائه یک صورت‌بندی گفتمانی از رویکردها و نظریات حوزه خانواده و مفصل‌بندی مفاهیم و دال‌های آنها است که تا به حال به آن پرداخته نشده و به نوعی از وجوه نوآورانه این تحقیق به شمار می‌رود.

مبانی نظری پژوهش

طیف زیادی از پژوهش‌های انجام گرفته درباره وضعیت دینداری در جامعه ایرانی دلالت بر تدین مردم ایران داشته و افول دینداری در ایران را غیرموجه دانسته‌اند (فرجی و کاظمی، ۱۳۸۸؛ غیاثوند، ۱۳۹۵؛ طالبان، ۱۳۹۳) اگرچه بر تحولات ارزشی و هنجاری جامعه ایرانی به‌عنوان یک واقعیت نیز تأکید دارند. درباره واقعیت خانواده در جامعه ایرانی دیدگاه‌ها و نظرات متعددی در فضای علمی کشور وجود دارد که غالب آنها سخن از تحولات خانواده در ابعاد مختلف ساختاری و کارکردی به میان آورده‌اند (ساروخانی و همکاران، ۱۳۹۵؛ قانع‌راد، ۱۳۹۶؛ تنهایی و شکریگی، ۱۳۸۷؛ حاجیانی، ۱۳۹۰؛ نیک‌پی، ۱۳۹۱؛ علی‌احمدی، ۱۳۸۹؛ زمانیان، ۱۳۸۷). درباره تحولات الگوی خانواده در ایران و جهان نظریه‌پردازی‌های بسیاری انجام گرفته است. در سطح بین‌المللی افرادی مانند ویلیام جی گود^۱ بر تفوق الگوی خانواده هسته‌ای و مدرن بر الگوی سنتی خانواده تأکید دارند (Goode, 1963: 67). کاترین حکیم^۲ در کتاب «مدل‌های خانواده در جوامع مدرن: ایده‌آل‌ها و واقعیت‌ها»، سه مدل از خانواده یعنی «برابری‌خواه»، «مبتنی بر نقش‌های توافقی» و «مبتنی بر نقش‌های متمایز و تفکیک شده» را ارائه کرده و این‌گونه نتیجه می‌گیرد که زنان بیشتر به مدل برابری‌خواه و مردان بیشتر به مدل سنتی متمایل بوده‌اند. همچنین آنتونی گیدنز^۳ با طرح مفهوم «رابطه ناب»^۴ بر این نکته تأکید می‌ورزد که اساساً خانواده امروز دیگر یک واحد تولیدی و اقتصادی نبوده و منطبقِ دادوستد در روابط زوجین مبتنی بر عواطف و صمیمیت است (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۳۶-).

1. Goode
2. Hakim
3. Giddens
4. Pure Relationship

۱۲۸). وی با وضع مفهوم «خانواده دموکراتیک»^۱ به‌مثابه یک آرمان برای دنیای جدید، تأکید دارد که برخلاف روابط نابرابر زن و مرد در گذشته که زن مایملک مرد تلقی می‌شد، در این الگو از خانواده برابری و موقعیت یکسان در مناسبات زن و شوهری، احترام متقابل، تصمیم‌گیری بر مبنای گفت‌وگو و مشورت، آزادی از خشونت و تعهد متقابل وجود دارد (Giddens, 1992: 105). لذا ساخت قدرت از شکل هرمی با محوریت مرد در رأس هرم تغییر یافته و با معیارهای دموکراتیک بازسازی می‌گردد. همچنین الیزابت بک گرنسهایم در کتاب «خانواده در جهان امروز» به بررسی انواع تغییرات در خانواده پرداخته و به رواج خانواده‌های هسته‌ای و افول خانواده گسترده اشاره دارد (گرنسهایم، ۱۳۸۸: ۱۳۵). نظریات بومی در تحلیل تحولات خانواده نیز به چند دسته تقسیم می‌گردند. عده‌ای خانواده سنتی در شرایط کنونی جامعه ایرانی را گزینه‌ای ناممکن تلقی کرده (علوی‌تبار، ۱۳۸۶) و بر کارآمدی الگوی خانواده مدرن و مدنی تأکید دارند (جلایی‌پور، ۱۳۸۵). در مقابل نیز عده‌ای با عنایت به تحولات خانواده در جامعه ایرانی، کماکان از هژمونی الگوی خانواده سنتی در مقابل خانواده مدنی در عینیت اجتماعی ایران سخن گفته و معتقدند جایگاه خانواده در جامعه ایرانی به‌عنوان یک نهاد دینی و عرفی از بین نرفته است (آزادارمکی، ۱۳۹۴؛ کرمی، ۱۳۹۵؛ حق‌شناس، ۱۳۸۸). نکته‌ای که در تحلیل جایگاه خانواده در عینیت اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی نباید مغفول واقع شود و پژوهش پیش‌رو نیز به این نظرگاه ملتزم بوده، این است که خانواده ایرانی ظرفیت‌های دینی و سنتی متعددی برای بازتولید خود در اختیار داشته و در برابر عناصر تحولی فرهنگ مدرن پایداری و قوام خود را حفظ نموده است. به عبارت دیگر عناصر متعددی در فرهنگ دینی و سنتی جامعه ایرانی از جمله عید نوروز، شب یلدا، روز زن و مادر، مراسمات مذهبی و ... وجود دارند که خانواده ایرانی در تعاملی دوسویه با این عناصر به تقویت بنیان‌ها و استحکام پایه‌های روابط خویشاوندی و خانوادگی می‌پردازد (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۲). اگرچه در یک قرن اخیر، فرهنگ مدرن، برخی اقتضائات خود را بر خانواده تحمیل کرده و خانواده ایرانی به تبع الگوی جهانی در حال هسته‌ای شدن است. اما در همین فرایند نیز خانواده با حفظ نسبی هویت ملی و دینی خود در برابر پاره‌ای از تحولات مقاومت نشان می‌دهد. به‌همین دلیل خانواده هسته‌ای ایرانی از خانواده هسته‌ای در جوامع غربی متمایز است. خانواده ایرانی با آنکه شکل گسترده خود را از دست داده اما به حفظ پیوند با اعضای خود و خویشاوندان پایبند مانده است و فرزندان را حتی پس از ازدواج و تشکیل خانواده، از حمایت‌های مالی و عاطفی خود بهره‌مند می‌سازد. رابطه فرد با خانواده در ایران به‌قدری

پرننگ است که شخصیت اجتماعی افراد با خانواده تعریف می‌شود (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۳). لذا به نظر می‌رسد جامعه ایرانی با وجود تجربه تحولات عمیق در ناحیه برخی از ارزش‌ها و هنجارها و طی تغییرات بنیادین در ساختار فرهنگ و هویت خود، کماکان در عرصه خانواده و روابط خویشاوندی نظم دینی و سنتی خویش را حفظ و بازتولید نموده است.

روش پژوهش

همه رویکردهای نظری در تحلیل گفتمان^۱ بر این فرض استوارند که شیوه‌های سخن گفتن ما نه تنها منعکس کننده جهان، هویت و روابط اجتماعی ما هستند؛ بلکه به صورت فعالانه آن را ساخته و تغییر می‌دهند. نزد لاکلا و موف اهمیت گفتمان‌ها در این است که آنها واسطه‌های مهم تفسیر موقعیت ساختاری و بازتولید و عدم بازتولید آن هستند. به عبارت دیگر بازتولید یک نظم اجتماعی مستلزم آن است که گفتمان حاکم بتواند موضع سوژه‌ای افراد را شکل دهد و در صورتی که در این کار موفق نشود نظم اجتماعی دگرگون خواهد شد. از همین رو همواره میان گفتمان‌ها برای کسب موقعیت مسلط در چارچوب‌های تفسیری افراد نزاع و کشمکش وجود دارد و تسلط یک گفتمان امری قطعی و دائمی نیست و به شدت وابسته به نحوه آرایش روابط قدرت در برهه تاریخی خاص است (Laclau & Mouffe, 1985: 142). آنها معتقدند برای ایجاد هر پدیده یا هویتی وجود «دیگری^۲» ضروری است. یعنی همه هویت‌ها به وسیله یک اصل مشترک؛ تقابل نظام معنایی درونی با نظام یا نظام‌های معنایی بیرونی شکل می‌گیرند (Laclau & Mouffe, 1985: 127). بنابراین گفتمان‌ها نیز از طریق ایجاد مرزهای سیاسی و ضدیت میان «ما» و «دیگری» هویت خود را کسب می‌کنند (تاجیک، ۱۳۸۳: ۵۳). به این ترتیب «ضدیت^۳» امری است که از طریق آن گروه‌ها، جوامع و کارگزاران، مرزهای سیاسی خود را تعریف می‌کنند و از طریق پروژه دگرسازی، هویت خود را می‌سازند (تاجیک، ۱۳۸۳: ۵۵). در کل غیریت‌سازی به معنای نفی و طرد گفتمان‌های دیگر از سوی گفتمانی خاص است. اساساً در این رویکرد هیچ معنا و هویتی بدون قرار گرفتن در رابطه با ضدیت و غیریت‌سازی، تشکیل و تثبیت نمی‌شود (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۶۵). لذا اینکه یک دال خاص متضمن چه مدلولی است، همواره مورد مناقشه بوده و هر گفتمانی تلاش می‌کند دال‌ها را به گونه‌ای تعریف کند که با نظام معنایی خود سازگار باشد. همه دال‌های یک گفتمان از ارزش برابر برخوردار نیستند و به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند. مهم‌ترین آنها «دال مرکزی^۴» است (سلطانی،

-
1. Discourse Analyzes
 2. Other
 3. Antagonism
 4. Nodal Point

۱۳۸۴: ۴۵). دال مرکزی به شخص، نماد، یا مفهومی اطلاق می‌گردد که سایر دال‌ها حول محور آن جمع و مفصل‌بندی می‌شوند (یورگنسن و فیلیپ، ۱۳۸۹). «مفصل‌بندی^۱» نیز فرایندی است که به واسطه آن، نشانه‌ها با هم جوش خورده (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۶۳) و یک نظام معنایی را شکل می‌دهند. لاکلا و موف دال‌های دیگری را که حول دال مرکزی گرد می‌آیند «وقته^۲» می‌نامند. هژمونی و قدرت یک گفتمان مبتنی بر انسجام معنایی دال‌های دیگر حول محور دال مرکزی است (کلهر، ۱۳۹۳: ۹۳). مهم‌ترین مکانیسم و اقدام در جهت فراگیری و گسترش هژمونی گفتمان، «برجسته‌سازی» مفاهیم و دال‌های خود و «حاشیه‌رانی» دال‌های دیگری توسط گفتمان است. برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی به گفتمان این امکان را می‌دهد تا معنای مورد نظر خود از امور را تثبیت کرده و معنای گفتمان‌های رقیب را متزلزل کند.

چارچوب روش‌شناختی پژوهش حاضر برگرفته از نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف است. بدین‌صورت که ابتدا مناقشات نظری پیرامون الگوی خانواده در جامعه ایرانی صورت‌بندی گفتمانی شده و سپس دال‌های هر یک از این گفتمان‌ها در مجلات عامه‌پسند مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرند. با توجه به گوناگونی ابعاد خانواده از منظر رویکردهای مختلف، در این تحقیق ابعاد خانواده براساس رویکرد جامعه‌شناسی کارکردگرایی تالکوت پارسونز ابعاد خانواده شامل ساختار خانواده، کارکردهای خانواده و روابط نقشی می‌گردد (روزن‌بام، ۱۳۷۶: ۷۴) و ما در این تحقیق ابعاد سه‌گانه فوق را در پنج ریزمحور ذیل مورد بررسی قرار خواهیم داد:

۱. ازدواج و طلاق؛ ۲. روابط زوجین؛ ۳. توزیع قدرت؛ ۴. تقسیم کار در خانواده؛ ۵. بعد خانوار.

برای تبیین رویکرد گفتمان خانواده‌گرا علاوه بر آیات و روایات، به دیدگاه‌های مقام معظم رهبری به‌عنوان مهم‌ترین نماینده اسلام سیاسی در ایران مراجعه شده است. همچنین برای تبیین رویکرد گفتمان فردگرا به دیدگاه‌های روشنفکران و صاحب‌نظران جریان فمینیسم در ایران پرداخته شده است.

جامعه آماری تحقیق پیش‌رو مجلات عامه‌پسند یا به اصطلاح نشریات زرد در ایران است. نمونه استفاده شده در این پژوهش عبارت از مجلات خانواده ایرانی، خانواده سبز، موفقیت و روزهای زندگی هستند. معیار انتخاب این مجلات به‌عنوان نمونه آماری، تیراژ بالای این مجلات نسبت به بقیه است. واحد تحلیل در این پژوهش نیز عبارت از مطالب ستون‌های

1. Articulation

2. Moment

خانوادگی این مجلات (مشاوره و داستان‌های عشقی) است که هر مطلب به صورت جداگانه و کامل مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

یافته‌های پژوهش

گفتمان‌های خانواده در ایران

به‌طور کلی در جامعه امروز ایران می‌توان دو گفتمان متخاصم در حوزه خانواده را شناسایی نمود که این دو گفتمان کلان به نوعی هم مشغول برجسته‌سازی مفاهیم گفتمانی خود در این حوزه بوده و هم دال‌های محوری یکدیگر را به حاشیه می‌رانند. این دو گفتمان کلان عبارتند از:

- الف) گفتمان خانواده‌گرا که توسط جریان اسلام سیاسی حاکم در ایران نمایندگی می‌گردد؛
- ب) گفتمان فردگرا که توسط جریان روشنفکری و فمینیستی در ایران نمایندگی می‌گردد.

الف) گفتمان خانواده‌گرا در ایران

ازدواج و طلاق

در رویکرد خانواده‌گرا با عنایت به آیات و روایات متعدد در زمینه اهمیت ازدواج (قرآن کریم: نور، ۳۲، نساء، ۲۰ و ۲۱، روم، ۲۱ و صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳: ۲۵۱، نوری طبرسی، ۱۴۰۱، ج ۱۴: ۱۵۴، مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۳: ۲۲۱، حرعاملی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۲۰: ۴۵، ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۴: ۲۸۰)، قائل به قداست و آسمانی بودن پیوند ازدواج است و جامعه اسلامی باید زمینه تحقق این پیوند آسمانی را برای جوانان مهیا سازد (رهبری: ۷۳/۹/۲۳). تشکیل خانواده و ازدواج در این رویکرد بدون تکلف صورت می‌گیرد (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳: ۲۵۴، حرعاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۵: ۱۱ و رهبری: ۷۳/۹/۲).

روش همسرگزینی مطلوب نزد این رویکرد آن است که خانواده‌ها نقش فعال در گزینش و ایجاد وصلت میان جوانان ایفاء کرده و البته تمایل طرفین ازدواج نیز شرط مهم و اساسی یک پیوند است. خانواده و بزرگترها در این زمینه تنها نقش هدایت‌گری دارند و حق انتخاب با جوانان است (رهبری: ۷۶/۹/۶ و ۷۵/۲/۱۷).

ازدواج مجدد در این رویکرد به‌عنوان یک حق مشروط برای مردان در نظر گرفته شده است که شرط آن رعایت عدالت در میان همسران است. (قرآن کریم: نساء، ۳) همچنین ازدواج موقت (صیغه) نیز در این رویکرد به‌عنوان امری جایز برای افرادی در نظر گرفته شده است که امکان ازدواج دائم به هردلیلی برای آنان میسر نبوده و خوف افتادن به ورطه گناه و روابط نامشروع برای آنان وجود دارد. (حرعاملی، ۱۴۱۶، ج ۷: ۱۵۱ و خمینی (ره)، ۱۳۶۸، ج ۲: ۷۰۱).

مهم‌ترین معیار انتخاب همسر در این رویکرد کفویت دینی و ایمانی به شمار می‌رود (قرآن کریم: بقره، ۲۲۱، حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۰: ۶۷ و رهبری: ۷۲/۶/۱۱).

طلاق در این رویکرد به‌عنوان قبیح‌ترین حلال محسوب می‌گردد (هندی، ۱۴۱۳ق: ح ۲۷۸۷۱) که عرش خدا را به لرزه در می‌آورد (حرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۷۸) و مصالح جامعه اسلامی اقتضای محدود کردن این پدیده را دارد. (سیاست‌های ابلاغی خانواده ۱۳۹۵) حق طلاق در این رویکرد نوعاً و به جز استثنائات قانونی، در اختیار مردان است. این حکم براساس آیات متعدد قرآن درباره طلاق که مردان را مخاطب خود قرار می‌دهد (قرآن کریم: بقره، ۲۲۷ و ۲۳۱ و احزاب، ۴۹ و طلاق، ۱) و نیز روایات متعدد در این زمینه (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۱: ۲۸۹) اثبات می‌گردد.

روابط زوجین

روابط زوجین در این رویکرد مبتنی بر محبت است (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴: ۱۱۵، مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۴: ۱۳۲، دیلمی، ۱۴۱۲ق: ۱۷۵ و رهبری: ۷۷/۸/۱۱). اصل مهم دیگر در مناسبات زوجین گذشت و سازش با یکدیگر است. در این رویکرد زن و شوهر یک حقوق و تکالیف متقابل نسبت به یکدیگر دارند. زوجین باید نسبت به انجام تکالیف خود اهتمام ویژه داشته و نسبت به حقوق خود با گذشت و فداکاری رفتار نمایند (رهبری: ۷۸/۴/۹ و ۷۷/۱۱/۱۹). معاضدت و همکاری متقابل جهت ساختن زندگی مشترک روح حاکم بر مناسبات زن و شوهری است. زن و شوهر در این رویکرد بر مبنای رفاقت و دوستی با یکدیگر رفتار می‌کنند و کسی نسبت به دیگر زورگویی نمی‌کند (رهبری: ۷۱/۱۰/۱۷). کم‌توقعی نسبت به یکدیگر و قناعت و خودداری در مطالبات زندگی عنصر مهم دیگری است که در مناسبات زوجین وجود دارد (رهبری: ۷۶/۱/۱) از سوی دیگر در این رویکرد زن و شوهر یکسری حقوق متقابل نیز دارند که هریک موظف هستند نسبت به حقوق دیگری احترام قائل شوند (رهبری: ۶۹/۷/۱۲).

توزیع قدرت

سلسله‌مراتب اقتدار در خانواده نزد این رویکرد به شکل هرمی است که در رأس آن پدر خانواده قرار دارد و مادر و فرزندان در رتبه‌های بعدی هرم قرار می‌گیرند. ریاست و سرپرستی خانواده با مرد است و او وظیفه تأمین معاش اعضا را نیز برعهده دارد (قرآن کریم: نساء، ۳۴، حرعاملی، ۱۴۱۶ق: ج ۱۲: ۴۲، نوری‌طبرسی، ۱۴۰۱ق، ج ۱۴: ۲۴۸، طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۲۱۷). «اسلام مرد را قوام و زن را ریحانه می‌داند. این نه جسارت به زن است نه جسارت به مرد. نه نادیده گرفتن حق زن است و نه نادیده گرفتن حق مرد؛ بلکه، درست دیدن طبیعت

آنهاست» (رهبری: ۷۸/۱۲/۲۲ و ۸۱/۶/۶). در این رویکرد زن موظف به تمکین و فرمانبری از شوهر در مناسبات خانواده است (حرعاملی، ۱۴۱۶ ق: ج ۱۴: ۱۵۳، کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۲: ۶۶، نوری طبرسی، ۱۴۰۱ ق، ج ۱۴: ۲۴۷).

تقسیم کار

در این رویکرد تقسیم کار در خانواده مبتنی بر تفاوت‌های جنسیتی و با لحاظ مصالح خانواده است. خلقت زن و مرد به لحاظ تکوینی ویژگی‌های متفاوتی را برای آنان رقم زده که این تفاوت‌های تکوینی منشاء تفاوت‌های تشریحی در نگاه اسلامی است. عدالت جنسیتی مورد نظر دین اسلام نیز همین است که باید میان ویژگی تکوینی افراد با تکالیف و حقوق آنها تناسب وجود داشته باشد. در این رویکرد تقسیم کارها در خانواده بدین گونه است که مردان کارهای مربوط به اداره و سرپرستی خانواده و فعالیت‌های مربوط به بیرون از خانه را انجام می‌دهند و زن نیز وظایف مدیریت خانه و نقش‌های خانوادگی چون همسری و مادری برعهده دارد. البته در فقه اسلامی به جز نقش همسری که همان تمکین زن نسبت به شوهر است، هیچ وظیفه‌ی اجبی برای زن در خانه در نظر گرفته نشده است (ر.ک: توضیح المسائل امام خمینی(ره)، استفاد از مسئله ۲۲۸۸) و صرفاً توصیه‌ها و آموزه‌های دینی برای زن حضور در خانه را ترجیح داده است.

در نگاه اسلامی محور و مدیر خانه زن است. «المراه سیده بیتها» (پایدار، ۱۳۷۶: ۶۱۴) یکی از مؤلفه‌های نقش مؤثر زن در خانه، همسری است. در آیات بسیار (قرآن کریم، روم: ۲۱؛ نساء: ۱۹؛ طلاق: ۵؛ بقره: ۲۳۷ و...) و روایات متعددی (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۷۷: ۱۶۶؛ حرعاملی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲۰: ۴۰؛ نوری طبرسی، ۱۴۰۱ ق، ج ۱۳: ۱۳۴) به نقش همسری اشاره گردیده است. دومین نقش مهم زنان در خانواده مادری است. زنان به‌عنوان مادر در آیات قرآن و روایات اسلامی بسیار مورد تقدیس و ارزشمند شمرده شده‌اند (قرآن کریم، لقمان: ۱۴؛ احقاف: ۱۵؛ مریم: ۳۲؛ حرعاملی، ۱۴۱۶ ق: ج ۱۵: ۱۲۵؛ نوری طبرسی، ۱۴۰۱ ق، ج ۱۵: ۱۸۲؛ کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۵: ۳۳۶؛ صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج ۲: ۴۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۷۴: ۸۵). از دیگر مؤلفه‌های نقش زن در خانواده، خانه‌داری زنان است که اگرچه واجب نیست، اما در نگاه دینی بدان توصیه شده است (حرعاملی، ۱۴۱۶ ق: ج ۱۴: ۱۵؛ نوری طبرسی، ۱۴۰۱ ق، ج ۱۴: ۲۴۵ و رهبری: ۹۲/۲/۱۱).

بعد خانوار

در نگاه اسلامی به خانواده یکی از مهم‌ترین کارکردهای این نهاد تأثیرگذار، تولید نسل و افزایش جمعیت در جامعه اسلامی است. بعد خانوار در این رویکرد گسترده بوده و توصیه‌های

دینی به کثرت اولاد و فرزندان گرایش دارند (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۰: ۱۴). از منظر متون دینی، فرزند شایسته، نعمتی از نعمت‌های الهی و گلی از گل‌های بهشت است (کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۶: ۳). علاوه بر این، مایه زینت زندگی (سوره کهف، آیه ۴۶)، یار و مددکار انسان (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۱۰: ۳۵۶)، یادگار و جانشین پدر و مادر در دنیا (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۱۰: ۳۵۷) بوده و استغفار و اعمال نیک او سبب آمرزش والدین در حیات اخروی (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۳۰۹) می‌شود.

در این رویکرد فرزندآوری و پرورش او بزرگترین مجاهدت برای زنان تلقی می‌گردد. «فرزندآوری یکی از مهم‌ترین مجاهدت‌های زنان و وظائف زنان است؛ چون فرزندآوری در حقیقت هنر زن است» (رهبری: ۹۲/۲/۱۱) «خانواده‌ها، جوان‌ها باید تولید مثل را زیاد کنند؛ نسل را افزایش دهند» (رهبری: ۹۱/۷/۱۹).

ب) گفتمان فردگرا (لیبرالیستی) در ایران

ازدواج و طلاق

ازدواج پیوند قانونی میان دختر و پسر است که بر مبنای عشق و علاقه متقابل صورت می‌گیرد. نزد این رویکرد «اغلب همسریابی و همسرگزینی توسط جوانان انجام می‌گیرد و عشق و علقه‌های عاطفی بین دختر و پسر، معیار تعیین کننده‌ای در شکل‌گیری ازدواج است» (اعزازی، ۱۳۸۸). آن‌ها می‌توانند با برقراری ملاقات‌ها و گفت‌وگوهای دوستانه و موقت، یکدیگر را بشناسند و پس از تصمیم‌گیری مشترک، با والدین خود برای ازدواج مشورت کنند. از این رو، پسر یا دختر می‌توانند پیش از ازدواج با افراد متعددی آشنا شوند و در نهایت، یکی را برگزینند. (جلایی‌پور، ۱۳۸۵: ۳۵) ممکن است حضور در محافل دانشگاهی، شغلی، گروه‌های فرهنگی یا هنری به فرد در یافتن همسر کمک کند. تصمیم برای برگزاری مراسم میزان مهریه و سایر موارد با مشورت و تفاهم دختر و پسر یا تفاهم میان خانواده‌ها انجام می‌گیرد (صادقی‌فسایی و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۸). این رویکرد معتقد است مفاهیم موجود در مناسبات سنتی ازدواج از جمله مهریه، شیربها، جهیزیه و... امروزه معانی خود را از دست داده‌اند و دختر و پسر با علاقه و توافق متقابل با یکدیگر ازدواج می‌کنند (اعزازی، ۱۳۸۸). ازدواج موقت و تعدد زوجات در این رویکرد کاملاً مردود و مصداق خشونت علیه زنان به شمار می‌رود (اعزازی، ۱۳۸۳). طلاق تابو نیست بلکه واقعیتی اجتماعی است. طلاق از یک سو، قبح اجتماعی چندانی ندارد و از سوی دیگر، راهی برای خروج طرفین از اختلاف‌ها محسوب می‌شود (جلایی‌پور، ۱۳۸۵: ۳۶). با توجه به اینکه خانواده مدرن مدنی بر مبنای تصمیم‌گیری مشترک و تفاهم اداره می‌شود، توافق بر طلاق نیز یکی از تصمیمات مشترک

ضروری به شمار می‌رود. هنگامی که طرفین به این نتیجه برسند که اختلالی جدی در مسیر ارتباط عاطفی و تفاهمات آن‌ها به وجود آمده است می‌توانند از یکدیگر جدا شوند (علوی‌تبار، ۱۳۸۶: ۳۵).

روابط زوجین

در این رویکرد مبنای روابط میان زوجین، تحقق فردیت و احترام به حقوق یکدیگر است. دعاوی و اختلافات زوجین در این خانواده توسط محاکم قضایی و دادگاه‌های خانواده حل و فصل می‌گردد (مرادی، ۱۳۹۴: ۴۵). در این رویکرد به مفاهیمی همچون تمکین زن و ولایت و سرپرستی مرد با دید تردید و انکار نگریده می‌شود و برابری زوجین در حقوق و تکالیف مورد تأکید قرار می‌گیرد (اعزازی، ۱۳۸۳). نزد این رویکرد برابری جنسیتی در حقوق و تکالیف از مهم‌ترین مؤلفه‌ها و ذاتیات عدالت محسوب می‌گردد. قوانین مربوط به ازدواج و روابط جنسیتی نه الهی هستند و نه غیرقابل تغییر؛ بلکه ابداعات حقوقی هستند که براساس پیش فرضی که دیگر معتبر و قابل قبول نیست، بنا شده‌اند (میرحسینی، ۱۳۹۴ و اعزازی، ۱۳۹۲).

توزیع قدرت

قدرت میان اعضای خانواده تابعی از توافقات درباره مسئولیت‌ها و حقوق اعضاست. سلسله‌مراتب قدرت، عمومی یا مبتنی بر جنسیت نیست. اعضای خانواده براساس سهم‌شان در اداره خانواده و استعدادهای خویش قدرت کسب می‌کنند (اعزازی، ۱۳۸۸) در این رویکرد قوامیت و سرپرستی شوهر و ولایت پدر با دیده تردید و انکار نگریده شده و مصداق بی عدالتی و تبعیض و منشاء ظلم به زنان محسوب می‌گردد (میرحسینی، ۱۳۹۴ و اعزازی، ۱۳۸۶: ۳۵). میان روابط دموکراتیک در بیرون از خانه (عرضه عمومی) و روابط مدنی در درون خانه اشتراک‌هایی وجود دارد. دموکراسی در عرصه بیرونی زمینه و سرمشق مطلوبی برای چگونگی تصمیم‌گیری‌ها در درون خانواده مدرن مدنی است (علوی‌تبار، ۱۳۸۶: ۳۵). شاید فرزندان با پوشش متقاعد کردن والدین (اقناع) به‌عنوان ارزشی دموکراتیک، در عمل خواسته‌های خود را به والدین تحمیل کنند. بنابراین، قدرت یک طرفه نیست بلکه در بین تمامی اعضا پخش شده است به علاوه اعضاء خانواده از اینکه هر یک از آنها در مناسبات اجتماعی بیرون از خانه تحت قدرت سایر نهادها قرار دارند، آگاه هستند (صادقی‌فسایی و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۶).

تقسیم کار در خانه

خانواده در نوع مدرن به‌طور آگاهانه و براساس یک پروژه در حال ساخته شدن، دائماً در حال بازبینی روابط درونی است. به همین دلیل تکلیف‌ها و انتظارات نقشی از زن و مرد اموری ثابت نیستند و اغلب تابعی از نتیجه تفاهم طرفین هستند (جلایی‌پور، ۱۳۸۵: ۳۱). انجام دادن کارهای درون خانه وظیفه زن نیست و مرد تنها نان‌آور خانواده تلقی نمی‌شود (اعزاز، ۱۳۸۴). در این رویکرد، تفاوت‌های جنسیتی افراد اعم از مردانگی و زنانگی اموری اجتماعی و برساخته فرهنگ و جامعه بوده و منشاء بیولوژیکی در وجود افراد ندارد (لبیسی، ۱۳۸۹). مردان علاوه بر نان‌آوری، با تفاهم و توافق، در اداره خانواده هم سهیم هستند. آن‌ها تأمین نیازهای عاطفی همسر را یکی از اصلی‌ترین وظایف خود می‌دانند. اگر مرد در پرورش و تربیت کودکان توانایی بیشتری دارد زن و مرد می‌توانند به این تفاهم دست یابند که مرد برای انجام دادن کارهای خانگی در خانه بماند و زن به اشتغال بیرون از خانه بپردازد (جلایی‌پور، ۱۳۸۵: ۳۴). زن و مرد می‌توانند در بیرون و درون خانه نقش‌هایی را بر عهده بگیرند. اشتغال زنان از حقوق اجتماعی آنها تلقی می‌شود که تصمیم برای اشتغال بر عهده خود آنهاست. حقوق و مسئولیت‌های برابر و متقابل میان والدین وجود دارد (صادقی‌فسایی و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۱). پیوند زن و مرد مبتنی بر نقش‌های متفاوتی هم در خانواده و هم در جامعه است به گونه‌ای که شاید با توجه به توانایی زن در ایفای نقش مؤثرتر در عرصه عمومی، مرد به جای زن در بچه‌داری نقش بیشتری ایفاء کند (علوی‌تبار، ۱۳۸۶: ۳۵). زیرا اداره خانواده پروژه مشترک است. فرزندان نیز در خانواده تعامل و مشارکت داشته و در برخی تصمیم‌گیری‌های خانوادگی سهم دارند. گفت‌وگو و تفاهم مبتنی بر اعتماد در خانه جریان دارد (صادقی‌فسایی و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۶). تصدی نقش‌هایی همچون مادری، رسیدگی به امور داخلی خانه یا وابستگی اقتصادی زنان به مردان، سبب فرودستی زن تلقی می‌شود (اعزاز، ۱۳۸۹: ۳۷). حضور زنان در عرصه عمومی حقی محفوظ است و نقش‌های زنانه در خانه نباید به‌عنوان مانعی در برابر حضور اجتماعی و مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی قرار گیرد. نقش‌های خانوادگی زنان از قبیل همسری، مادری و خانه‌داری نزد این رویکرد فعالیت‌هایی بی‌ارزش و قابل چشم‌پوشی است و زنان نباید خود را در چارچوب این نقش‌ها محدود سازند (اعزاز، ۱۳۸۸).

بعد خانوار

فرزندآوری و پرورش نسل در این رویکرد از آنجا که در شرایط کنونی جامعه ایرانی دارای مشکلات و موانع مادی بوده و نیز یکی از موانع جدی و مهم حضور فعال زنان در عرصه‌های

مختلف اجتماعی می‌گردد، امری مطلوب و مرجح محسوب نمی‌شود. این رویکرد معتقد است با توجه به ساختار مردانه اشتغال در ایران که به بهانه‌های مختلف در صدد حذف و حاشیه‌رانی زنان از بازار کار است، زایمان زنان مانع جدی پیشرفت زنان در این ساختار است (احمدی خراسانی، ۹۱/۹/۱۷). فعالان جنبش زنان در ایران معتقدند که وضع قوانینی همچون مرخصی زایمان زنان به تقویت کلیشه‌های جنسیتی سنتی درباره زنان می‌انجامد (صدر، ۹۰/۸/۱۲). همچنین شهیندخت مولوردی معاون امور بانوان دولت یازدهم نیز در مصاحبه‌ای با سایت مشرق (۹۳/۷/۲۸) داشتن بیش از دو فرزند را غیرعقلانی توصیف کرده است.

مفصل‌بندی گفتمان‌ها

گفتمان خانواده‌گرا بر محور مفاهیمی از قبیل «جمع‌گرایی»، «عدالت محوری» و «اخلاق» مفصل‌بندی می‌گردد.

گفتمان فردگرا نیز بر محور مفاهیمی از قبیل «روابط دموکراتیک»، «فردیت» و «ارزش‌های جامعه مدنی» مفصل‌بندی می‌گردد.

دال مرکزی؛

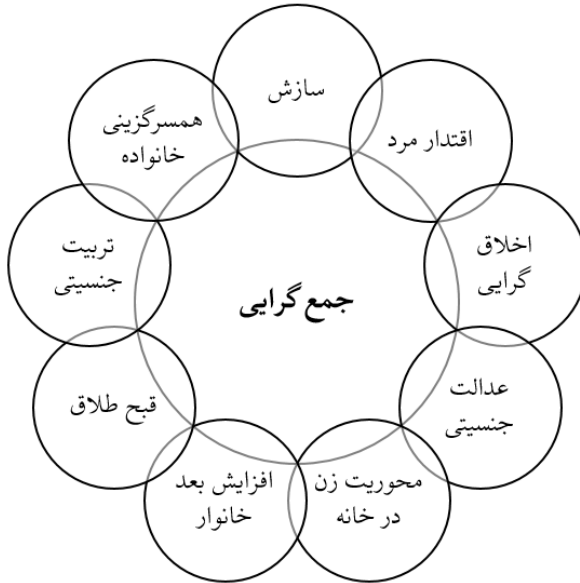
دال مرکزی و گره‌گاه گفتمان خانواده‌گرا «سازش و گذشت» است؛

دال مرکزی و گره‌گاه گفتمان فردگرا «حقوق فردی» است؛

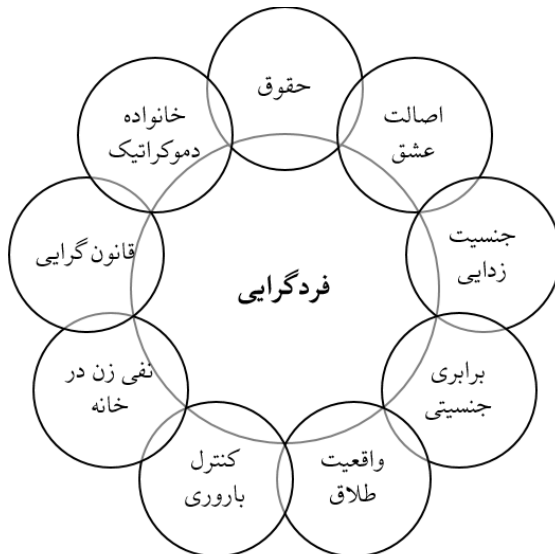
دال‌های شناور؛

دال‌های شناور گفتمان خانواده‌گرا عبارتند از: تقسیم کار جنسیتی براساس الگوی مردان‌آور و زن‌خانه‌دار، سلسله‌مراتب عمومی اقتدار با ریاست مرد، محوریت زن در خانواده (اولویت همسری، مادری و خانه‌داری)، تأکید بر تناسب حقوق و تکالیف در خانواده، بُعد گسترده خانوار، تصمیم‌سازی مشترک اعضاء، ضرورت ازدواج آسان، عدم مهریه زیاد، امکان ازدواج موقت، قبح طلاق، نقش خانواده در همسرگزینی فرد و...

دال‌های شناور گفتمان فردگرا نیز عبارتند از: قانون‌گرایی در مناسبات خانواده، جنسیت‌زدایی در تقسیم کار خانگی، سلسله‌مراتب افقی اقتدار و نفی ریاست مرد در خانواده، حاشیه‌ای بودن نقش‌های خانگی زن، تأکید بر برابری و تشابه حقوق و تکالیف، اصالت عشق و نقش فرد در همسرگزینی، ضرورت کنترل باروری، طلاق به‌عنوان واقعیت اجتماعی، قدرت فرزندان در مناسبات خانواده.



نمودار ۱. مفصل‌بندی گفتمان خانواده‌گرا



نمودار ۲. مفصل‌بندی گفتمان فردگرا

بازنمایی گفتمان‌های خانواده در مجلات عامه‌پسند ایرانی

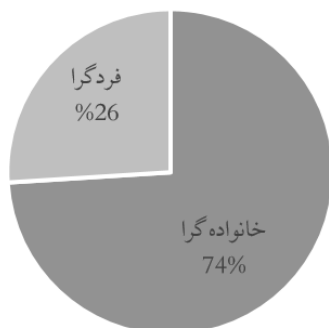
مجله خانواده ایرانی

این مجله که نخستین مجله خانوادگی در ایران به شمار می‌رود در هر شماره خود ستون‌های ثابتی دارد که برخی از این ستون‌ها در قالب مشاوره خانوادگی، داستان و خاطره و ... به‌طور مستقیم به طرح مسائل و موضوعات مربوط به خانواده پرداخته و برخی از آنها نیز به‌صورت غیرمستقیم به انعکاس دیدگاه‌های مجله نسبت به خانواده می‌پردازد. این مجله بیشترین محتوای مرتبط با موضوعات و مسائل خانواده را در مقایسه با نشریات دیگر به خود اختصاص داده بود و در مجموع ۱۱۵ مطلب مرتبط به موضوع خانواده و مسائل آن را در قالب ستون‌های ثابت و مطالب متفرقه در ۱۲ شماره مورد بررسی منتشر کرده است. از مجموع این ۱۱۵ مطلب مرتبط، ۸۶ مورد به بازنمایی و تأیید و برجسته‌سازی مفاهیم و دال‌های گفتمان خانواده‌گرا و گاه به حاشیه‌رانی از دال‌های گفتمان فردگرا اختصاص یافته و ۲۹ مورد از آن به بازنمایی و تأیید و برجسته‌سازی مفاهیم و دال‌های گفتمان فردگرا و گاه به حاشیه‌رانی از دال‌های گفتمان خانواده‌گرا اختصاص یافته است.

از میان مفاهیم و دال‌های گفتمان خانواده‌گرا، دال سازش به‌عنوان دال مرکزی این گفتمان با ۳۳ مورد بازنمایی، بیشترین فراوانی را در میان مطالب این مجله به خود اختصاص داده و بعد از آن دال‌های همسرگزینی خانواده با ۱۶ مورد، اخلاق‌گرایی با ۱۳ مورد، محوریت زن در خانواده با ۹ مورد، عدالت جنسیتی با ۶ مورد، قبح طلاق با ۴ مورد، افزایش بعد خانوار و اقتدار مرد هر کدام با ۲ مورد به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند. از میان مفاهیم و دال‌های گفتمان فردگرا نیز اصالت عشق با ۸ مورد بازنمایی، بیشترین فراوانی را در میان مطالب این مجله به خود اختصاص داده و بعد از آن دال‌های حقوق با ۷ مورد، برابری جنسیتی با ۵ مورد، نفی محوریت زن در خانه با ۴ مورد، خانواده دموکراتیک و کنترل باروری هر کدام با ۲ مورد و واقعیت طلاق با ۱ مورد بازنمایی به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند. به این ترتیب سهم مفاهیم و دال‌های گفتمان خانواده‌گرا در مطالب مجله خانواده ایرانی ۷۴ درصد و سهم مفاهیم و دال‌های گفتمان فردگرا در مطالب این مجله ۲۶ درصد بوده است.

جدول ۱. نمای کلی وضعیت گفتمانی مجله خانواده ایرانی

مورد ۱۱۵	مجموع تعداد مطالب مرتبط با موضوع خانواده در مجله		
	گفتمان	دال‌های مرکزی و شناور	تعداد بازنمایی در مجله
خانواده‌گرا	سازش	۳۳ مورد	۲۸ درصد
	همسرگزینی خانواده	۱۶ مورد	۱۳ درصد
	تربیت جنسیتی
	فیح طلاق	۴ مورد	۳ درصد
	افزایش بعد خانوار	۲ مورد	۲ درصد
	محوریت زن در خانه	۹ مورد	۷ درصد
	عدالت جنسیتی	۶ مورد	۵ درصد
	اخلاق‌گرایی	۱۳ مورد	۱۱ درصد
	اقتدار مرد	۲ مورد	۲ درصد
	حقوق (منافع فردی)	۷ مورد	۶ درصد
فردگرا	اصالت عشق	۸ مورد	۶ درصد
	جنسیت‌زدایی
	واقعیت طلاق	۱ مورد	۱ درصد
	کنترل باروری	۲ مورد	۲ درصد
	نفی محوریت زن در خانه	۴ مورد	۳ درصد
	برابری جنسیتی	۵ مورد	۵ درصد
	قانون‌گرایی
	خانواده دموکراتیک	۲ مورد	۲ درصد
	مجموع مطالب خانواده‌گرا	۸۶ مورد	۷۴ درصد
	مجموع مطالب فردگرا	۲۹ مورد	۲۶ درصد



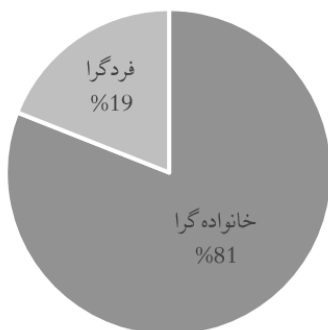
نمودار ۲. وضعیت گفتمانی مجله خانواده ایرانی

مجله خانواده سبز

این مجله پرتیراژترین نشریه خانوادگی و عامه پسند ایرانی محسوب می‌شود. به‌طور کلی رویکرد حاکم بر مطالب و محتواهای خانوادگی مجله خانواده سبز را می‌توان ذیل گفتمان خانواده‌گرا دسته‌بندی کرد. این مجله در مجموع ۱۰۷ مطلب مرتبط به موضوع خانواده و مسائل آن را در قالب ستون‌های ثابت و مطالب متفرقه در ۱۲ شماره مورد بررسی منتشر کرده است. از مجموع این ۱۰۷ مطلب مرتبط، ۸۹ مورد به تأیید و برجسته‌سازی مفاهیم و دال‌های گفتمان خانواده‌گرا و گاه به حاشیه‌رانی از دال‌های گفتمان فردگرا اختصاص یافته و ۱۸ مورد از آن به تأیید و برجسته‌سازی مفاهیم و دال‌های گفتمان فردگرا و گاه به حاشیه‌رانی از دال‌های گفتمان خانواده‌گرا اختصاص یافته است. از میان مفاهیم و دال‌های گفتمان خانواده‌گرا، دال سازش به‌عنوان دال مرکزی این گفتمان با ۲۶ مورد بازنمایی، بیشترین فراوانی را در میان مطالب این مجله به خود اختصاص داده و بعد از آن دال‌های همسرگزینی خانواده با ۲۱ مورد، اخلاق‌گرایی با ۱۳ مورد، محوریت زن در خانواده با ۱۰ مورد، عدالت جنسیتی با ۶ مورد، قبح طلاق با ۷ مورد، افزایش بعد خانوار با ۳ مورد، اقتدار مرد با ۲ مورد به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند. از میان مفاهیم و دال‌های گفتمان فردگرا نیز اصالت عشق با ۷ مورد بازنمایی، بیشترین فراوانی را در میان مطالب این مجله به خود اختصاص داده و بعد از آن دال‌های حقوق و برابری جنسیتی و خانواده دموکراتیک هرکدام با ۳ مورد و نفی محوریت زن در خانه با ۲ مورد، به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند. به این ترتیب سهم مفاهیم و دال‌های گفتمان خانواده‌گرا در مطالب مجله خانواده سبز ۸۱ درصد و سهم مفاهیم و دال‌های گفتمان فردگرا در مطالب این مجله ۱۹ درصد بوده است.

جدول ۲. نمای کلی وضعیت گفتمانی مجله خانواده سبز

مجموع تعداد مطالب مرتبط با موضوع خانواده در مجله	۱۰۷ مورد
گفتمان	درصد به کل مطالب
سازش	۲۴ درصد
همسرگزینی خانواده	۱۹ درصد
تربیت جنسیتی	۰/۰۹ درصد
قیح طلاق	۶ درصد
افزایش بعد خانوار	۳ درصد
محوریت زن در خانه	۹ درصد
عدالت جنسیتی	۵ درصد
اخلاق‌گرایی	۱۲ درصد
اقتدار مرد	۲ درصد
حقوق (منافع فردی)	۳ مورد
اصالت عشق	۷ مورد
جنسیت زدایی
واقعیت طلاق
کنترل باروری
نفی محوریت زن در خانه	۲ مورد
برابری جنسیتی	۳ مورد
قانون‌گرایی
خانواده دموکراتیک	۳ مورد
مجموع مطالب خانواده گرا	۸۹ مورد
مجموع مطالب فردگرا	۱۸ مورد
۸۱ درصد	۱۹ درصد



نمودار ۳. وضعیت گفتمانی مجله خانواده سبز

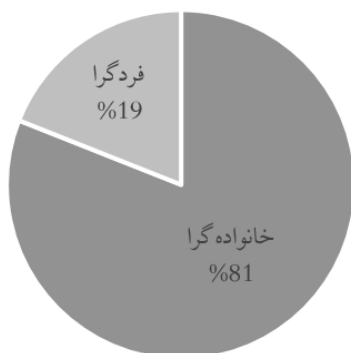
مجله موفقیت

مجله موفقیت یکی از پرتیراژترین نشریات خانوادگی و عامه‌پسند امروز است که بخشی از محتوای آن نیز به مسائل و موضوعات خانوادگی می‌پردازد. این نشریه ستون‌های ثابت خانوادگی ندارد. به‌طور کلی رویکرد حاکم بر مطالب و محتواهای خانوادگی مجله موفقیت را می‌توان ذیل گفتمان خانواده‌گرا دسته‌بندی کرد و دال‌های مربوط به این گفتمان بیشتر در مطالب این نشریه بازنمایی شده‌اند. این مجله در مجموع ۵۲ مطلب مرتبط به موضوع خانواده و مسائل آن را در قالب ستون‌های ثابت و مطالب متفرقه در ۱۲ شماره مورد بررسی منتشر کرده است. از مجموع این ۵۲ مطلب مرتبط، ۴۲ مورد به بازنمایی و تأیید و برجسته‌سازی مفاهیم و دال‌های گفتمان خانواده‌گرا بعضاً به حاشیه‌رانی از دال‌های گفتمان فردگرا اختصاص یافته و ۱۰ مورد از آن به تأیید و برجسته‌سازی مفاهیم و دال‌های گفتمان فردگرا و گاه به حاشیه‌رانی از دال‌های گفتمان خانواده‌گرا اختصاص یافته است.

از میان مفاهیم و دال‌های گفتمان خانواده‌گرا، دال سازش به‌عنوان دال مرکزی این گفتمان با ۱۴ مورد بازنمایی، بیشترین فراوانی را در میان مطالب این مجله به خود اختصاص داده و بعد از آن دال‌های همسرگزینی خانواده با ۹ مورد، اخلاق‌گرایی با ۶ مورد، محوریت زن در خانواده با ۵ مورد، قبح طلاق با ۳ مورد، عدالت جنسیتی با ۲ مورد، اقتدار مرد با ۲ مورد و افزایش بعد خانوار با ۱ مورد به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند. از میان مفاهیم و دال‌های گفتمان فردگرا نیز اصالت عشق با ۴ مورد بازنمایی، بیشترین فراوانی را در میان مطالب این مجله به خود اختصاص داده و بعد از آن دال‌های حقوق با ۳ مورد، برابری جنسیتی با ۲ مورد و نفی محوریت زن در خانه با ۱ مورد، به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند. به این ترتیب سهم مفاهیم و دال‌های گفتمان خانواده‌گرا در مطالب مجله خانواده ایرانی (۸۱ درصد) و سهم مفاهیم و دال‌های گفتمان فردگرا در مطالب این مجله ۱۹ درصد بوده است.

جدول ۳. نمای کلی وضعیت گفتمانی مجله موفقیت

مورد ۵۲	مجموع تعداد مطالب مرتبط با موضوع خانواده در مجله		
درصد به کل مطالب	تعداد بازنمایی در مجله	دال‌های مرکزی و شناور	گفتمان
۲۷ درصد	۱۴ مورد	سازش	خانواده‌گرا
۱۷ درصد	۹ مورد	همسرگزینی خانواده	
.....	تربیت جنسیتی	
۵ درصد	۳ مورد	قیح طلاق	
۲ درصد	۱ مورد	افزایش بعد خانوار	
۱۰ درصد	۵ مورد	محوریت زن در خانه	
۴ درصد	۲ مورد	عدالت جنسیتی	
۱۰ درصد	۶ مورد	اخلاق‌گرایی	
۴ درصد	۲ مورد	اقتدار مرد	
۶ درصد	۳ مورد	حقوق (منافع فردی)	
۸ درصد	۴ مورد	اصالت عشق	
.....	جنسیت‌زدایی	
.....	واقعیت طلاق	
.....	کنترل باروری	
۴ درصد	۲ مورد	نفی محوریت زن در خانه	
۲ درصد	۱ مورد	برابری جنسیتی	
.....	قانون‌گرایی	
.....	خانواده دموکراتیک	
۸۱ درصد	۴۲ مورد	مجموع مطالب خانواده‌گرا	
۱۹ درصد	۱۰ مورد	مجموع مطالب فردگرا	



نمودار ۴. وضعیت گفتمانی مجله موفقیت

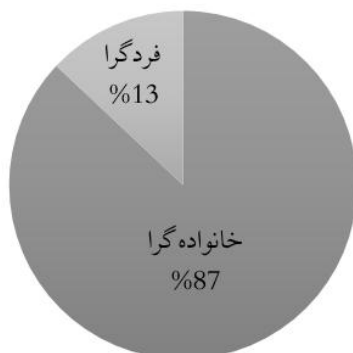
مجله روزهای زندگی

این مجله نیز یکی دیگر از نشریات پرتیراژ زرد در ایران است که بخشی از محتوای آن به مطالب مربوط به مسائل خانواده اختصاص داده شده است. این نشریه دارای دو ستون ثابت است که به موضوعات و مسائل خانوادگی به طور مستقیم می پردازد. به طور کلی رویکرد حاکم بر محتوای خانوادگی مجله روزهای زندگی را می توان ذیل گفتمان خانواده گرا دسته بندی کرد و دال های مربوط به این گفتمان بیشتر در مطالب این نشریه بازنمایی شده اند. این مجله در مجموع ۳۲ مطلب مرتبط به موضوع خانواده و مسائل آن را در قالب ستون های ثابت و مطالب متفرقه در ۱۲ شماره مورد بررسی منتشر کرده است. از مجموع این ۳۲ مطلب مرتبط، ۲۸ مورد به بازنمایی و تأیید و برجسته سازی مفاهیم و دال های گفتمان خانواده گرا و گاه به حاشیه رانی از دال های گفتمان فردگرا اختصاص یافته و ۴ مورد از آن به تأیید و برجسته سازی مفاهیم و دال های گفتمان فردگرا و گاه به حاشیه رانی از دال های گفتمان خانواده گرا اختصاص یافته است.

از میان مفاهیم و دال های گفتمان خانواده گرا، دال سازش به عنوان دال مرکزی این گفتمان با ۱۴ مورد بازنمایی، بیشترین فراوانی را در میان مطالب این مجله به خود اختصاص داده و بعد از آن دال های همسرگزینی خانواده با ۱۲ مورد و محوریت زن در خانواده و قبح طلاق هر کدام با یک مورد به ترتیب در رتبه های بعدی قرار دارند. از میان مفاهیم و دال های گفتمان فردگرا نیز اصالت عشق، حقوق، برابری جنسیتی و خانواده دموکراتیک هر کدام یک مورد در مطالب این مجله بازنمایی گردیده اند. به این ترتیب سهم مفاهیم و دال های گفتمان خانواده گرا در مطالب مجله خانواده ایرانی (۸۷ درصد) و سهم مفاهیم و دال های گفتمان فردگرا در مطالب این مجله ۱۳ درصد بوده است.

جدول ۴. نمای کلی وضعیت گفتمانی مجله روزهای زندگی

مورد ۳۲	مجموع تعداد مطالب مرتبط با موضوع خانواده در مجله		
درصد به کل مطالب	تعداد بازنمایی در مجله	دال‌های مرکزی و شناور	گفتمان
۴۳ درصد	۱۴ مورد	سازش	خانواده‌گرا
۳۷ درصد	۱۲ مورد	همسرگزینی خانواده	
.....	تربیت جنسیتی	
۳ درصد	۱ مورد	قیح طلاق	
.....	افزایش بعد خانوار	
۳ درصد	۱ مورد	محوریت زن در خانه	
.....	عدالت جنسیتی	
.....	اخلاق‌گرایی	
.....	اقتدار مرد	
۳ درصد	۱ مورد	حقوق (منافع فردی)	
۳ درصد	۱ مورد	اصالت عشق	
.....	جنسیت زدایی	
.....	واقعیت طلاق	
.....	کنترل باروری	
.....	نفی محوریت زن در خانه	
۳ درصد	۱ مورد	برابری جنسیتی	
.....	قانون‌گرایی	
۳ درصد	۱ مورد	خانواده دموکراتیک	
۸۷ درصد	۲۸ مورد	مجموع مطالب خانواده‌گرا	
۱۳ درصد	۴ مورد	مجموع مطالب فردگرا	



نمودار ۵. وضعیت گفتمانی مجله روزهای زندگی

بحث و نتیجه گیری

خانواده به عنوان یکی از عناصر فرهنگ دینی و سنتی جامعه ایرانی در ده‌های اخیر همراه با تحولات خانواده در مقیاس جهانی و بین‌المللی، شاهد تغییر و تطوراتی در ساختار و کارکردهای خود بوده است. امروزه تصویر غالب از خانواده مبتنی بر برون همسرگزینی و شکل هسته‌ای بوده و خانواده به مثابه عشیره و نظام خویشاوندی گسترده و دارای سلسله‌مراتب اقتدار عمودی با محوریت مرد، سهم کمتری از الگوی خانواده ایرانی امروز دارد. اما از سوی دیگر به لحاظ گفتمانی، خانواده با تکیه بر ظرفیت‌های دینی و فرهنگی جامعه ایرانی در برابر فرهنگ مدرن مقاومت کرده و همواره در حال بازتولید خویش در سطح مناسبات ارزشی و هنجارین جامعه بوده است. به عبارت دیگر امروزه جامعه ایرانی اگرچه تصویر دیگری از خانواده نسبت به زیست سنتی خویش سراغ دارد و ارزش‌های دنیای جدید در ایجاد تحول ساختاری در خانواده موثر بوده است، اما خانواده‌گرایی مبتنی بر نظام ارزشی دینی ایرانیان به قوت خویش باقی مانده است. لذا می‌توان گفت هنوز گرایش به ازدواج و تشکیل خانواده و اتکاء به هنجارهای خویشاوندی و خانوادگی در میان ایرانیان عمومیتی انکارناپذیر دارد. در جامعه کنونی ایران کماکان ارجاع هویتی افراد به خانواده و حتی طایفه خود نشان از هژمونی این نهاد نسبت به عاملیت و فردیت افراد دارد. به همین مناسبت می‌توان گفت که خانواده ایرانی صورت هسته‌ای و محتوای گسترده و سنتی دارد.

موضوع خانواده و تحولات آن در جامعه ایرانی محل مناقشه دو رویکرد نظری عمده در کشور است که پژوهش حاضر این دو رویکرد را به مثابه دو گفتمان متخاصم در حوزه خانواده شناسایی و صورت‌بندی نموده است. این دو گفتمان که هر یک به نوعی هم مشغول برجسته‌سازی مفاهیم گفتمانی خود در عرصه خانواده و مناسبات آن بوده و هم دال‌های

محوری یکدیگر را به حاشیه می‌رانند، عبارتند از گفتمان خانواده‌گرا که با محوریت سازش مفصل‌بندی شده و گفتمان فردگرا که حول محور حقوق دال‌های خود را شکل داده است. نماینده گفتمان خانواده‌گرا در ایران جریان اسلام سیاسی و اجتماعی بوده و نماینده گفتمان فردگرا نیز جریان روشنفکری و فمینیستی در ایران هستند.

از این منظر، فهم و تحلیل رویکرد مجلات عامه‌پسند نسبت به خانواده و مناسبات و مسائل آن و ارزیابی این رویکردها نسبت به گفتمان‌های حاکم بر خانواده در جامعه ایرانی مسأله و رسالت پژوهش حاضر بود. محقق پس از ارائه صورت‌بندی گفتمانی از رویکردها و نظریات خانواده در ایران، به بررسی و تحلیل مجلات عامه‌پسند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رسانه‌های فعال در زیست جهان خانواده ایرانی پرداخت تا نحوه‌ی بازنمایی این دو گفتمان را در مجلات عامه‌پسند تحلیل نماید. با بررسی و تحلیل متون و محتوای خانوادگی مجلات خانواده ایرانی، خانواده سبز، موفقیت و روزهای زندگی نتیجه کلی که حاصل شد این بود که رویکرد کلی حاکم بر این مجلات در حوزه مناسبات خانواده و زندگی مشترک زوجین به گفتمان خانواده‌گرا قربت بیشتری داشته و دال‌ها و مفاهیم گفتمان خانواده‌گرا از قبیل سازش، همسرگزینی خانواده، محوریت زن در خانه، قبح طلاق، تربیت جنسیتی، اخلاق‌گرایی، اقتدار مرد، افزایش بعد خانوار و... در این مجلات بیشتر از مفاهیم گفتمان فردگرا بازنمایی شده است.

باید گفت اگرچه تحولات ساختاری و ارزشی دنیای مدرن، خانواده ایرانی را نیز در بسیاری از عرصه‌ها با خود همراه نموده و تغییرات قابل ملاحظه‌ای را بر ساختار و کارکردهای خانواده در ایران ایجاد کرده است، اما این تغییرات به منزله انفعال خانواده ایرانی در تعامل با تحولات دنیای مدرن و تأثیرپذیری صرف از هنجارهای مدرنیته نیست؛ بلکه خانواده ایرانی در پیوند وثیق با نهاد دین و سنت فرهنگی جامعه ایران به صورتی کاملاً فعالانه و پویا به تنظیم تعاملات خود با فرهنگ جدید پرداخته و نظم اجتماعی متناسب با هژمونی خانواده‌گرایی را رقم می‌زند. امروزه درست است که خانواده ایرانی تغییراتی را به خود دیده است اما نفوذ و رسوخ ارزش‌های دینی در اذهان اکثریت افراد جامعه به‌قدری مستحکم است که ارزش‌های متضاد با آن به‌سختی می‌توانند جایگزین شوند. چراکه دین در طول تاریخ با فرهنگ جامعه ایرانی درهم تنیده شده است و دولت نیز همپای این در هم تنیدگی پیشرفته و در حفظ کیان خانواده ایرانی نقش مثبتی داشته است.

لذا براساس یافته‌های این پژوهش می‌توان مدعی شد که با عنایت به واقعیت اجتماعی جامعه ایرانی که دلالت بر هژمونی گفتمان اسلامی در عرصه خانواده و بر ساخت الگوی دینی و سنتی از مناسبات آن دارد و تعامل نهادی خانواده، دین و دولت نیز بر سیطره خانواده‌گرایی در

مناسبات اجتماعی و فرهنگی دامن زده است، رویکردهای فرهنگی و هنجاری حاکم بر رسانه‌های عمومی نیز تحت تأثیر این فضای هژمونیک واقع شده و الگوهای بازنمایی رسانه‌ای از خانواده و مناسبات آن با ارزش‌های گفتمان خانواده‌گرا در ایران انطباق بیشتری دارند. به عبارت دیگر در فضای فرهنگی جامعه ایرانی هنوز ردپای نظم دینی - سنتی خانواده به‌صورت کاملاً پررنگ محسوس بوده و گفتمان‌های رقیب از جمله جریان فمینیستی یا روشنفکری نتوانسته‌اند گفتار غالبی را در حوزه خانواده و مناسبات آن برای عامه مردم ارائه نمایند و مناقشات نظری این جریان‌ها تنها در فضای نخبگانی جامعه ایرانی باقی مانده‌اند.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- آزاد ارملی، تقی (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*، تهران: سمت.
- ابراهیمی، قربانعلی (۱۳۸۸). «تحلیل گفتمان بازتولید زبان جنسیتی در مجلات عامه‌پسند فارسی در ایران»، *مجله زن در فرهنگ و هنر*، شماره ۱: ۴۹-۳۵.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۳). «مفهوم شناسی خشونت». *مجله حورا*، شماره ۱۰: ۴۴-۲۵.
- اعزازی، شهلا (۱۳۷۰). «تضاد میان آموزش و پرورش و جامعه: بررسی کتاب فارسی اول دبستان»، *فصلنامه علوم اجتماعی علامه طباطبایی*، شماره ۱ و ۲: ۷۹-۵۴.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۴). «ساختار جامعه و خشونت علیه زنان»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۱۴: ۴۶-۲۱.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۶). «روند نمایش خانواده در تلویزیون»، *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، شماره ۷: ۳۵-۵۲.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰). «بازتاب چشمداشت‌های اجتماعی در تلویزیون»، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، شماره ۱: ۱۳۱-۱۰۱.
- بستان، حسین (۱۳۹۰). *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بک‌گرنسهایم، الیزابت (۱۳۸۸). *خانواده در جهان امروز*، ترجمه بیتا مدنی، تهران: پایا.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳). *گفتمان، پادگفتمان و سیاست*، تهران: مؤسسه توسعه علوم انسانی.
- تنهایی، ابوالحسن و عالیه شکربیگی (۱۳۸۷). «جهانی شدن، تجددگرایی و خانواده در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی*، شماره ۵۶: ۵۵-۳۳.
- جلایی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۵). «چرا خانواده مدنی در ایران رهایی‌بخش است؟»، *مجله زنان*، شماره ۱۳۰: ۵۳-۴۱.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۰). *آسیب‌شناسی نهاد خانواده در ایران (مجموعه مقالات)*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- حرانی، حسن‌بن‌شعبه (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حرعاملی، محمدبن‌حسن (۱۴۱۶ق). *وسایل الشیعه الی تفصیل مسائل الشریعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
- حق‌شناس، سیدجعفر (۱۳۹۲). *آسیب‌شناسی خانواده (مجموعه مقالات)*، قم: مرکز تحقیقات زن و خانواده
- خیمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۸). *صحیفه نور*، تهران: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت امام (ره).
- دیلمی، حسن بن ابی‌الحسن (۱۴۱۲ق). *ارشاد القلوب*، قم: شریف رضی.
- روزن‌بام، هایدی (۱۳۷۶). *خانواده به‌مثابه ساختاری در مقابل جامعه*، ترجمه محمدصادق مهدوی، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- زمانیان، علی (۱۳۸۷). تغییرات بنیادین نهاد خانواده در چند دهه اخیر در ایران، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- زیبایی نژاد، محمدرضا (۱۳۸۹). «فمینیسم ایرانی»، نشریه حورا، شماره ۳۷: ۳۶-۳.
- ساروخانی، باقر و همکاران (۱۳۹۵). «تحلیل گفتمان الگوهای خانواده در جامعه کنونی با تأکید بر مناسبات همسرگزینی»، پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، شماره ۷: ۴۲-۹.
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴). قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر نی.
- صادقی فسایی، سهیلا و ایمان عرفان منش (۱۳۹۵). گفتمان‌ها و خانواده ایرانی: جامعه‌شناسی الگوهای خانواده، پس از مناقشه مدرنیته در ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- صدوق، محمدبن علی (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۹۳). پیمایش ملی تدین اسلامی ایرانیان، مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا)، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق). مکارم الاخلاق، بیروت: دارالحدیث.
- علوی تبار، علیرضا (۱۳۸۶). «خانواده سنتی گزینه‌ای ناممکن»، مجله زنان، شماره ۱۵۰: ۴۴-۳۶.
- علی احمدی، امید (۱۳۸۸). تحولات معاصر خانواده در شهر تهران، تهران: نشر شهر.
- غیاثوند، احمد (۱۳۹۵). «رفتارها و باورهای ایرانیان: تحلیلی جامعه‌شناختی از چهار دهه دینداری در جامعه ایران»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۷۳: ۲۵۱-۲۱۱.
- فرجی، مهدی و کاظمی عباس (۱۳۸۸). «بررسی وضعیت دینداری در ایران: با تأکید بر داده‌های پیمایش سه دهه گذشته»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۶: ۵۸-۳۶.
- فرقانی، محمدمهدی و مهشید السادات مظلوم (۱۳۹۲). «سبک زندگی در نشریات عامه‌پسند، مطالعه موردی دو هفته‌نامه زندگی ایده‌آل سال ۱۳۹۱» نشریه مظلوم، شماره ۷: ۱۱۸-۱۲۴.
- قانع‌راد، محمدمامین (۱۳۹۶). زوال پدرسالاری: فروپاشی خانواده یا ظهور خانواده مدنی، تهران: نقد فرهنگ.
- کریمی، محمدتقی (۱۳۹۵). «ساخت اجتماعی طلاق در ایران»، فصلنامه مطالعات جنسیت و خانواده، شماره ۱: ۸۶-۶۴.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۲۹ق). الکافی، قم: دارالحدیث للطباعه والنشر.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۳۰ق). فروع کافی، قم: دارالحدیث للطباعه والنشر.
- کلهر، سینا (۱۳۹۳). بررسی عوامل موثر بر اجرای سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. رساله دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران.
- کیا، علی اصغر و نادر منصور کیایی (۱۳۸۹). «بازنمایی فرهنگی در مجلات عامه‌پسند؛ بررسی تحول گفتمان فرهنگی در مجلات عامه‌پسند سال‌های ۶۵، ۷۵ و ۸۵»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۳: ۱۴۳-۱۱۵.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). تجدد و تشخص، ترجمه ناصر موافقیان، تهران: نی.

بازنمایی گفتمان‌های خانواده در مجلات عامه‌پسند ایرانی ❖ ۱۲۱

- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۶). *میزان الحکمه*. قم: دارالحدیث.
- مرادی، محمد (۱۳۹۴). «تحلیل روند دادرسی در دادگاه‌های خانواده». *مجله حورا*، شماره ۴۹: ۳۵-۴۶.
- مهدی‌زاده، محمد (۱۳۸۶). «ساخت و محتوای مطبوعات عامه‌پسند: تحلیل محتوای صفحه اول ۱۸ نشریه عامه‌پسند»، *فصلنامه رسانه*، شماره ۳: ۲۲۶-۲۰۷.
- هوارث، دیوید (۱۳۷۷). «نظریه گفتمان» ترجمه: علی‌اصغر سلطانی، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۲: ۴۹-۴۵.
- یورگنسن، ماریان؛ فیلیپس، لوئیز (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- نوری‌طبرسی، حسین‌بن‌محمدتقی (۱۴۰۱ق). *مستدرک‌الوسایل و مستنبط‌المسائل*، قم: آل‌البیت لاحیاء التراث.
- نیکایی، امیر (۱۳۹۱). «جامعه‌شناسی تحول خانواده در ایران»، *جامعه‌شناسی تاریخی*، شماره ۱: ۱۶۹-۱۳۱.
- هندی، علاء‌الدین (۱۴۱۳ق). *کنز العمال*، بیروت: مؤسسه الپایان‌نامه.

سایت‌ها:

- پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس:
www.khamenei.ir
- قوانین مربوط به خانواده، بازتولید خشونت ساختاری علیه زنان است، ۱۳۸۸/۱۱/۲۳ رجوع شود به آدرس:
www.pezhvakeiran.com/page1.php?id=20237
- خشونت ساختاری علیه زنان روز به روز افزایش می‌یابد، ۱۳۸۹/۹/۴ رجوع شود به آدرس:
www.iranzanan.ir/first_point/001975.php?q
- قوانین ایران حامی زنان نیست، ۱۳۹۱/۱۱/۱۲ رجوع شود به آدرس:
<https://jahanezan.wordpress.com/2013/03/09/12345-643>
- سنت حقوقی مسلمانان و چالش برابری جنسیتی، ۱۳۹۴/۱۱/۲۵ رجوع شود به آدرس:
www.feministschool.com/spip.php?article7887

- Laclau, E. & Mouffe, C. (1985) **Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics**. London: Verso.
- Engels, Fredrick, (1972). "The Origin of Family Private Property, and the State", Pathfinder presses.
- Barrett, M. & A. Philips (1992). **Destabilizing Theory: Contemporary Feminist Debates**, London: Polity Press.
- Cahoone, L. (2003). **Form Modernism to Postmodernism: An Anthology Expanded, Second Edition**, Wiley-Blackwell Publisher
- Barrett, Michelle. (1989). "Women's Oppression Today". Haloton Press.
- De Beauvoir, Simone. (1949). "The Second Sex". Translated by H.M. Parshley. N.Y: Vintage Book.

- Firestone, Shulamith, (1970). "**The Dialectic of Sex**" in: Linda Nicholson (ed.), *The Second Wave*, New York and London: Rutledge,
- Friedan, Betty. (1963). "**The Feminine Mystique**". N.Y: Dell.
- Millett, Kate (1969). "**Sexual Politics**". Garden City, N.Y: Doubleday
- Steinem, Gloria (1970). "**Women's Right**". Presented in Women's Rights Workshop, N.Y.
- Giddens, Anthony (1992). **The Transformation of Intimacy (Sexuality, Love and Eroticism in Modern Societies)**, Stanford University Press, First Publish.
- Goode, William Josiah (1963). **World revolution and family patterns**, New York, Free Press of Glencoe.
- Hakim, Catherine (2003). **Models of the Family in Modern societies: Ideal & Realities**, England, Ash gate.